

## Analysis of Criminal Liability Resulting From Seizure of Lost Property

Masoud Basami\*

Assistant Professor in Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University (Eslamabd), Kermanshah, Iran

### Abstract

Iran's civil law allows the finder (lost property) to possess it under certain conditions. However, the question that arises is whether it is a crime if the person who found the property seizes the property. There is disagreement among lawyers about this question. Some believe that illegal seizure is a crime, but there is no consensus on what a criminal offence is. Some believe in theft, some in abuse of confidence, some in the transfer of property of others, and some in the acquisition of property through illegitimate means. On the other hand, some jurists believe that the illegal seizure of property is not a crime. The results of the present study indicate that the opinion of the second group is stronger and seizure of property is not a crime even if it is against the law.

**Keywords:** Lost Property, Criminal Liability, Theft, Abuse of Confidence, Transfer of Another Property, Acquisition of Property through Illegitimate Means.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

\* Corresponding Author: Mbassami1360@gmail.com

## تحلیل مسؤلیت کیفری ناشی از تصرف در مال لقطه

استادیار گروه حقوق، واحد اسلام‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلام‌آباد،  
ایران

مسعود بسامی \* 

### چکیده

قانون مدنی ایران تحت شرایطی به یابنده لقطه (مال گم‌شده) اجازه تصرف و تملک را داده است. لیکن سؤالی که مطرح می‌شود این است که چنانچه شخص یابنده لقطه برخلاف مقررات قانونی نسبت به تصرف و تصاحب لقطه اقدام نماید، آیا عمل ارتكابی وی جرم محسوب می‌شود؟ در پاسخ به سؤال مذکور بین حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد. گروهی معتقدند که تصرف خلاف قانون در مال لقطه جرم است، لیکن در خصوص اینکه عنوان مجرمانه عمل ارتكابی چیست اتفاق نظر وجود ندارد. گروهی قائل به سرقت، گروهی معتقد به خیانت در امانت، برخی قائل به انتقال مال غیر و گروهی نیز معتقد به تحصیل مال از طریق نامشروع هستند. در مقابل، عده‌ای دیگر از حقوقدانان معتقدند که تصرف برخلاف قانون در مال لقطه فاقد وصف مجرمانه است. نتیجه آنکه نظر گروه اخیر از قوت بیشتری برخوردار بوده و تصرف در مال لقطه هر چند برخلاف مقررات قانونی باشد جرم نیست.

واژگان کلیدی: لقطه، مسؤلیت کیفری، سرقت، خیانت در امانت، انتقال مال غیر، تحصیل مال از طریق نامشروع.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

همواره در جامعه اشخاصی هستند که مالی را گم می‌کنند و اشخاص دیگر نیز آن اموال را پیدا می‌کنند. اما اینکه یابنده مال می‌تواند آن را تصاحب و تصرف نماید موضوعی است که از دو جنبه حقوقی و کیفری قابل بحث است. از حیث حقوقی، قانون مدنی ایران تکلیف را مشخص نموده و تحت شرایطی به یابنده اجازه تصرف و تملک مال پیدا شده را داده و چنانچه یابنده بر اساس شرایط مقرر قانونی عمل ننماید رفتار وی موجب ضمان و مسئولیت مدنی است. لیکن این موضوع که یابنده متخلف علاوه بر مسئولیت مدنی مسئولیت کیفری نیز دارد یا خیر امری است که در قانون مجازات ایران پاسخ صریحی برای آن وجود ندارد. در نتیجه این امر باعث برداشت‌های متفاوت و اختلاف نظرهای دگرگون و رویه قضایی شده است.

گروهی از حقوقدانان معتقدند که تصرف با سوءنیت و برخلاف مقررات قانونی در مال لقطه جرم است ولی در خصوص اینکه عمل مزبور چه نوع جرمی است اتفاق نظر ندارند. بعضی عمل مرتکب را سرقت می‌دانند (حبیب‌زاده، ۱۳۷۴: ۳۵-۳۶)، برخی دیگر خیانت در امانت (مهاجر، ۱۳۴۵: ۳۵ و ۴۰) و بعضی قائل به انتقال مال غیر بوده (کریمی، ۱۳۹۱: ۱۳) و نهایت آنکه برخی نیز معتقد به تحصیل مال از طریق نامشروع هستند (نظریه مشورتی شماره ۷/۱۷۷۵ مورخ ۱۳۸۹/۳/۲۵، اداره حقوقی قوه قضائیه). با توجه به ابهامات مذکور، ضرورت انجام تحقیقی در خصوص موضوع مورد بحث آشکار می‌گردد. با بررسی‌هایی که صورت گرفته به رغم اهمیت موضوع تاکنون پژوهش جامع و مستقلی در باب مسئولیت کیفری ناشی از تصرف در مال لقطه انجام نشده است، بلکه در برخی از کتب و مقالات به اختصار در حد چند سطر به موضوع پرداخته شده است. لذا پژوهش حاضر اولین پژوهشی مستقلی است که به بررسی موضوع در حقوق کیفری پرداخته است. حال، سؤالی که این پژوهش به دنبال پاسخگویی به آن است اینکه آیا تصرف با سوءنیت و برخلاف مقررات در مال لقطه جرم است؟

تحقیق حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام یافته است. مطالب پژوهش در پنج بحث تدوین گردیده است. در بحث اول به بیان مفاهیم و کلیات تحقیق پرداخته‌ایم. در بحث دوم رابطه تصرف در مال لقطه با جرم سرقت بررسی شده است. در بحث سوم رابطه تصرف در مال لقطه با خیانت در امانت بررسی شده است. در بحث چهارم رابطه تصرف در مال لقطه با انتقال مال غیر و در بحث پنجم با تحصیل مال از طریق نامشروع بررسی شده است.

## ۱. مفاهیم

### ۱-۱. تعریف فقهی

در تعاریف فقها آمده که لقطه چیزی است که اگر برندارند ضایع می‌شود و بر سه قسم است: یک انسان که آن را «لقیط» و «منبوذ» و «ملقوط» گویند. دوم حیوان و آن را ضاله گویند و سوم مال که آن را لقطه گویند (بهاء الدین عاملی، ۱۴۲۹: ۵۸۷). همچنین گفته‌اند: گمشده‌ای را که دیگری آن را پیدا کند لقطه گویند و در معنی عام سه قسم است: ۱. بچه گمشده که آن را لقیط گویند؛ ۲. حیوان گم شده که ضاله نامیده می‌شود؛ و ۳. مال گمشده که لقطه گویند (علامه حلی، ۱۳۹۰: ۳۵۱).

در اصطلاح فقها، از حیث مکانی که مال گمشده در آن یافت می‌گردد، لقطه بر دو قسم است: لقطه حرم (حرم مکه) و غیر حرم. در خصوص لقطه غیر حرم اگر قیمت آن کمتر از یک درهم باشد یا بنده می‌تواند تملک کند و اگر بیشتر باشد باید یکسال تعریف کند، یعنی در جستجوی صاحب آن باشد، اگر نیافت می‌تواند خودش آن را تملک کند یا برای صاحبش نگه دارد یا صدقه دهد. اگر نگه داشت و تلف شد ضامن نیست، اما اگر صدقه داد یا تملک کرد ضامن است (علامه حلی، ۱۳۹۰: ۳۵۷). در خصوص لقطه حرم گفته‌اند که تصرف در آن جایز است، لیکن تملک آن حرام است و متصرف باید آن را یا به صورت امانت حفظ کند یا صدقه دهد (اسکافی، ۱۴۱۶: ۴۰؛ محقق حلی، ۱۴۰۸: ۲۵۳؛ اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۵۱).

در روایات آمده است که ابراهیم عمر از امام صادق (ع) نقل کرده که فرمود: لقطه به دو گونه است، یکی لقطه حرم که مدت یکسال آن را اعلام و معرفی میکنی پس اگر صاحب آن را یافتی فیها و الا آن را به رسم صدقه می‌بخشی و قسم دیگر لقطه غیرحرم که آن را مدت یکسال اعلام می‌کنی، پس اگر صاحب آن پیدا شد فیها و الا آن در حکم مال خود توست (بابویه، ۱۴۰۹، ج ۳: ۱۱۶). روایتی دیگر نیز با همین مضمون از پیامبر نقل شده که فرمود: لقطه که مال گمشده است کسی که آن را بیابد بر دو قسم است، یکی لقطه حرم است که یکسال آن را تعریف می‌کنی و اگر صاحبش را یافتی به صاحب می‌دهی و الا تصدق می‌کنی آن را با ضمان و دوم لقطه غیرحرم است که آن را یکسال تعریف می‌کنی، اگر صاحبش پیدا شد به او می‌دهی و الا مثل سایر اموال خود توست (اصفهانی، ۱۴۱۴، ج ۷: ۲۲۵). در جمع‌بندی از نظرات فوق می‌توان گفت که لقطه حرم قابل تملک نیست لیکن لقطه غیرحرم با وجود شرایطی قابل تملک است.

#### ۱-۲. تعریف حقوقی

حقوقدانان در تعریف لقطه گفته‌اند: اشیاء متعلق به غیر است که کسی پیدا کرده باشد و اگر حیوان متعلق به دیگری باشد ضاله نامیده می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۵۸۸). در تعریف دیگری آمده که لقطه مالی را گویند که دارای شرایط زیر باشد: ۱. قبلاً مالک داشته باشد؛ ۲. مالک آن را گم کرده باشد و الا اگر صاحب مال مالش را در جایی قرار دهد که بعداً بردارد، لقطه نیست؛ ۳. در تصرف کسی نباشد؛ و ۴. مالک از آن اعراض نکرده باشد (امامی، ۱۳۶۸: ۱۴۱). برخی دیگر از حقوقدانان اظهار داشته‌اند: اشیاء پیدا شده هر مال مملوکی است که بدون متصرف یافت شود و باید دارای شرایط زیر باشد: ۱. مملوک باشد، یعنی دارای مالک خاص باشد. اموالی که به اشخاص تعلق ندارند و یا مالک از آنها اعراض کرده جزء مباحات محسوب شده و حیات و تملک آن تابع قواعد مخصوص است؛ ۲. در تصرف کسی نباشد؛ و ۳. مالک باید آن را گم کرده باشد. لذا اموال مسروقه و اموالی که مالک عمداً آنها را در محلی گذاشته لقطه محسوب نمی‌شوند و در صورتی که مالک آنها پیدا نشود باید به مصرف فقرا برسند (کاتوزیان، ۱۳۴۲: ۹۳). تعابیر مذکور با اندکی تفاوت

در الفاظ بکاررفته مشابه یک دیگر هستند. در مجموع می‌توان در تعریف لقطه گفت: مالی است که مالک دارد و مالک آن را گم کرده ولی از مالکیت نسبت به مال اعراض نکرده است.

اما حیوان نیز برای آنکه ضاله باشد شرایطی دارد که عبارتند از: الف- مملوک باشد یعنی اگر حیوانی مالک نداشته باشد و یا ندانیم مالک آن از آن اعراض کرده حکم حیوان ضاله را ندارد بلکه جز مباحات است و با حیازت تملک می‌گردد. ب- بدون متصرف باشد، یعنی تحت ید و استیلا کسی نباشد. حیواناتی که معمولاً در تابستان‌ها در چراگاه آزاد به سر می‌برند یا حیواناتی که ذاتاً آزادند مثل شتر ایلات و عشایر، بدون متصرف به حساب نمی‌آیند. پ- در چراگاه یا نزدیک آب نباشد. یعنی حیوان به طور طبیعی نتواند غذای خود را بدست آورد و ممکن است از گرسنگی و تشنگی هلاک گردد، اما اگر در جایی باشد که آب و علف موجود است ممکن است صاحب حیوان خود آن را رها کرده باشد تا مدتی در آن چراگاه باشد و اگر کسی آن مال را بردارد غاصب است. ت- در برابر حیوانات وحشی و درنده متمکن از دفاع از خود نباشد. اما اگر قادر باشد جان خود را حفظ کند مثل اسب و آهو، وقتی سایر شرایط حیازت هم موجود باشند دیگر مصداق ضاله نخواهد بود (رزوی و نبی‌نیا، ۱۳۹۲: ۳۵-۳۴).

قانون مدنی ایران واژه لقطه را بکار نبرده لیکن عنوان باب چهارم کتاب دوم را «اشیاء پیداشده و حیوانات ضاله» نهاده است. لذا قانون مدنی مال پیداشده را دو نوع می‌داند: یکم اشیاء پیداشده و دوم حیوانات ضاله. ماده ۱۶۲ قانون مدنی بدون ارائه تعریف دقیقی از مال پیداشده مقرر می‌دارد: «هرکس مالی پیدا کند که قیمت آن کمتر از یک درهم که وزن آن ۱۲/۶ نخود نقره باشد، می‌تواند آن را تملک کند». ماده ۱۶۳ نیز مقرر می‌دارد: «اگر قیمت مال پیداشده یک درهم که وزن آن ۱۲/۶ نخود نقره یا بیشتر باشد، پیداکننده باید یکسال تعریف کند و اگر در مدت مزبور صاحب مال پیدا نشد، مشارالیه مختار است که آن را به طور امانت نگه دارد یا تصرف دیگری در آن بکند. در صورتی که آن را به امانت نگه دارد و بدون تقصیر او تلف شود، ضامن نخواهد بود». تبصره ماده مذکور مقرر می‌دارد: «در صورتی که پیداکننده مال از همان ابتدا یا پیش از پایان مدت یکسال علم حاصل کند که

تعریف بی‌فایده است و یا از یافتن صاحب مال مأیوس گردد تکلیف از او ساقط می‌شود». ماده ۱۷۰ قانون مدنی، برخلاف اشیاء پیدا شده، حیوان پیدا شده را تعریف نموده و بیان می‌دارد: «حیوان گمشده (ضاله) عبارت است از هر حیوان مملوکی است که بدون متصرف یافت شود ولی اگر حیوان مزبور در چراگاه یا نزدیک آبی یافت شود یا متمکن از دفاع از خود در مقابل حیوانات درنده باشد ضاله محسوب نمی‌گردد». ماده ۱۷۱ نیز مقرر داشته: «هر کس حیوانات ضاله را پیدا نماید باید آن را به مالک آن رد کند و اگر مالک را نشناسد باید به حاکم یا قائم مقام او تسلیم کند والا ضامن خواهد بود اگر چه آن را بعد از تصرف رها کرده باشد».

در مجموع اموال لقطه را می‌توان سه دسته کرد: ۱. اشیایی که ارزش آن کمتر از یک درهم است، که در حکم مباحات هستند و می‌توان آنها را تملک کرد و به متصرف آن تعلق پیدا خواهد کرد؛ ۲. سایر اشیاء پیدا شده (ارزش آن یک درهم و یا بیشتر باشد)، که باید تا یکسال تعریف شوند و اگر تا یکسال مالک آنها پیدا نشود، شخصی که مال را پیدا کرده می‌تواند آن را به امانت نگه دارد یا مانند سایر اموال خود در آن تصرف کند؛ ۳. حیوان گمشده (ضاله)، که اگر دارای مالک معین نباشد باید به حاکم یا قائم مقام او تسلیم شود و در هیچ صورتی پیداکننده حق ندارد آن را تملک کند (کاتوزیان، ۱۳۴۲: ۹۴).

## ۲. تصرف برخلاف قانون در مال لقطه

در روایات از التقاط یعنی در اختیار گرفتن چیزهای گمشده نهی شده است (حائری، ۱۳۸۷: ۳۷). به عنوان نمونه، در روایت معتبر محمد بن مسلم در مورد لقطه از امام باقر (ع) سؤال می‌کند و آن حضرت می‌فرماید: «آن را بر ندار، پس اگر برداشتی یکسال آن را معرفی کن، اگر خواهان آن آمد به او بده، در غیر این صورت آن را در کنار اموات قرار بده، حکم مال تو را دارد، تا زمانی که خواهان آن بیاید، پس اگر خواهان بر آن نیامد، به آن وصیت کن» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷: ۳۵۲). این نهی در روایات بر کراهت حمل شده است (حائری، ۱۳۸۷: ۳۸؛ علامه حلی، ۱۳۹۰: ۳۵۱). اما از حیث حقوقی در خصوص تصرف در مال لقطه، برخلاف مقررات قانون مدنی، نظریات متفاوتی وجود دارند که به بیان آنها می‌پردازیم.

## ۲-۱. رابطه بین تصرف در لقطه و سرقت

سؤال این است که آیا تصرف برخلاف قانون در مال لقطه سرقت محسوب می‌گردد؟ برای پاسخ لازم است به اختصار به بررسی تعریف سرقت بپردازیم. سرقت عبارت است از: «ربودن متقلبانه یا مخفیانه مال منقول متعلق به دیگری» (ولیدی، ۱۳۷۶: ۱۶۳). ماده ۲۶۷ قانون مجازات اسلامی بیان می‌دارد: «سرقت عبارت از ربودن مال متعلق به غیر است». تعریف قانونی مذکور از سه عنصر ربودن، مال و تعلق به غیر ترکیب یافته است. در تعریف مال گفته‌اند: چیزی است که ارزش اقتصادی داشته و قابل تبدیل به پول باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۵۹۵). عنصر دوم تعلق به غیر است. یعنی مال باید مالک داشته باشد، به این معنا که به شخص مجرم تعلق نداشته و در مالکیت دیگری باشد. لذا مال موضوع جرایم علیه اموال نباید بلاصاحب باشد (حبیب‌زاده، ۱۳۷۴: ۳۳). البته وجه اشتراک تمامی جرایم علیه اموال آن است که در همه آنها، مال موضوع جرم به دیگری تعلق داشته و همگی متضمن نقص حقوق مالکانه اشخاص هستند (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۱: ۸۰ و ۱۸). بدین ترتیب، برای محکوم کردن کسی به ارتکاب یکی از جرایم علیه اموال باید ابتدا با استفاده از مفاهیم حقوق مدنی ثابت شود که کس دیگری از یک حق مالی بر مال موضوع جرم برخوردار بوده و این حق توسط مجرم نقض شده است (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۱: ۲۰).

با توجه به تعریفی که از لقطه ارائه گردید، وصف مال بودن و تعلق داشتن آن به دیگری محرز بوده و مسلم است که از این حیث با اموال غیر لقطه که موضوع جرایم علیه اموال قرار می‌گیرند مشترک است. اما آنچه فارق جرایم علیه اموال از یک دیگر است و آنها را از یک دیگر متمایز می‌سازد عنصر اختصاصی است. در حقوق ایران، «ربودن» محور عنصر مادی جرم سرقت است (آقایی‌نیا و چلبی، ۱۳۸۸: ۶۰). قانونگذار هیچ گونه تعریفی از ربودن ارائه ننموده است. حقوقدانان در تعریف ربودن گفته‌اند: به معنای اثبات ید و تصرف سارق نسبت به مال منقول دیگری است (ولیدی، ۱۳۷۶: ۱۶۴). برخی نیز گفته‌اند ربودن غصب، تصرف و برخورد مالکانه با مال موضوع جرم است (حبیب‌زاده، ۱۳۸۱: ۴۱). بدین ترتیب، برای تحقق ربودن لازم است که سارق تصرف مادی را به صورت وضع ید بر مال غیر انجام دهد و این



امر به خارج کردن مال از حیطة تصرفات مالک یا متصرف بدون رضایت و اطلاع منجر گردد (حبیب‌زاده، ۱۳۷۴: ۲۱). برخی دیگر از حقوقدانان معتقدند ربودن دو عنصر را مورد توجه قرار می‌دهد: یکی تصرف و وضع ید بر مال دیگری و دیگری برداشتن یا کش رفتن و بلند کردن مال که عملی مادی است (گلدوزیان، ۱۳۸۰: ۳۶۷). در مجموع لازمهٔ ربودن این است که شخص سارق مخفیانه و یا علناً ولی با غافلگیر ساختن صاحب مال، بدون جلب توجه و برخلاف رضایت و میل او به تصرف مالش مبادرت نماید (گلدوزیان، ۱۳۸۰: ۳۶۷). وانگهی، در خصوص اینکه آیا مال لقطه قابل ربودن است و در نتیجه می‌تواند موضوع جرم سرقت واقع شود دو جهت گیری کلی دیده می‌شود. عده‌ای قائل به سرقت هستند و عده‌ای دیگر خیر.

## ۱-۱-۲. دکترین

الف- قائلان به سرقت. برخی از حقوقدانان معتقدند در خصوص مال لقطه، چون مالک از مالکیت آن اعراض نکرده و فرض وجود مالک منتفی نیست، لذا برداشتن آن مال سرقت است (گلدوزیان، ۱۳۸۰: ۳۵۵؛ حبیب‌زاده، ۱۳۷۴: ۳۵-۳۶). به اعتقاد این گروه در سرقت شناسایی مالک شرط نیست، بلکه کافی است که مال از آن یابنده نباشد و در عین حال مالکیت دیگری احراز شود (حبیب‌زاده، ۱۳۷۴: ۳۳؛ آقایی‌نیا و رستمی، ۱۳۹۷: ۱۶۹-۱۷۰). در واقع، شرط تحقق سرقت تسلط عینی مالک بر مال نبوده و تصرف اعتباری کفایت می‌کند (آقایی‌نیا و رستمی، ۱۳۹۷: ۱۶۹-۱۷۰). بعضی دیگر معتقدند اگر کسی مال را گم کند حق مالکیت وی همچنان بر مال پابرجاست. حال اگر شخصی آن را بیابد و صادقانه معتقد باشد که مالک را نمی‌توان یافت از تعقیب کیفری معاف است، لیکن اگر نشانی از مالک بدست آورد و بداند که کیست رفتار مالکانه با چنین مالی و ضبط آن جرم (سرقت) است (بوشهری، ۱۳۷۸: ۱۷۹). برخی نیز گفته‌اند اگر فرض وجود مالک شود سرقت است، مثلاً کسی که در سالن میهمانی یا عروسی انگشتری پیدا کند تصرف آن سرقت است (شامبیاتی، ۱۳۷۵: ۳۷). بنابراین به عقیدهٔ این گروه اگر کسی مالی را پیدا کند و به قصد تصرف و تصاحب و بدون

تعریف (در موردی که ارزش مال یک درهم و یا بیشتر باشد) بردارد، عمل او از مصادیق سرقت تعزیری است.

ب- قائلان به عدم سرقت. در مقابل برخی دیگر از حقوقدانان معتقدند برداشتن مال لقطه سرقت نیست (ولیدی، ۱۳۷۶: ۱۶۵-۱۶۴؛ دلیر، ۱۳۹۱؛ عوده، ۱۳۹۰: ۲۸۲؛ سالاری، ۱۳۸۹: ۲۷۵-۲۷۶؛ میرمحمدصادقی، ۱۳۸۱: ۲۶۹). دلایل این گروه به این شرح هستند: ۱. برای تحقق سرقت لازم است مال در تصرف و حیازت شخصی (مالک یا متصرف) باشد و توسط سارق از تصرف وی خارج گردد، در حالی که در لقطه مال در زمان پیدا شدن در تصرف و حیازت کسی نیست (سالاری، ۱۳۸۹: ۲۷۵؛ رضوانی، ۱۳۸۶: ۱۲۵؛ مویدی، ۱۳۲۰: ۱۰۲۵)؛ ۲. سارق در سرقت قبل از دستیابی به مال قصد سرقت می کند، در حالی که در لقطه شخص مال را بر حسب تصادف می یابد؛ ۳- سرقت فی نفسه حرام است، در حالی که تصرف در لقطه فی نفسه حرام نیست (عوده، ۱۳۹۰: ۲۸۲)؛ ۴. عمل فیزیکی یابنده از مقوله ربایش نبوده و صرفا تصاحب است که واجد آثار مدنی است (دلیر، ۱۳۹۱)؛ و ۵. در سرقت صاحب مال باید در نظر سارق تفصیلا یا اجمالا مشخص باشد، در حالی که در مورد لقطه صاحب مال ولو با اجمال در نظر ملتقط مجهول است (مویدی، ۱۳۲۰: ۱۰۲۵). برخی دیگر از حقوقدانان معتقدند هر گاه گم شدن مال به معنی خارج شدن آن از تحت سلطه مالک نباشد، مثل اینکه کسی قطعه انگشتری خود را داخل اتاقش گم کرده باشد، ربودن آن توسط شخص دیگری می تواند سرقت باشد. لیکن اگر گم شدن مال به معنی خارج شدن آن از تحت سلطه مالک باشد، مثل وقتی انگشتری در خیابان گم می شود، ربودن آن توسط یابنده نمی تواند سرقت تلقی شود چون مال قبلا و بدون دخالت رباینده از تحت سلطه مالک خارج شده و بنابراین انجام این مرحله از عنصر مادی سرقت توسط رباینده قابل تصور نیست (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۱: ۲۶۹).

تحلیل: عقیده گروه دوم صحیح به نظر می رسد زیرا: ۱. ربودن مفهومی غیر از برداشتن دارد. ربودن حاوی یک بار معنایی منفی است. یعنی چیزی را با تردستی برداشتن و بردن (معین، ۱۳۷۶: ۱۶۳۷) و به تعبیر دیگر کش رفتن و قاپیدن، در حالی که برداشتن چنین

مفهومی ندارد. ربودن اخص از برداشتن است. این امر یکی از تفاوت‌های سرقت در حقوق ایران با انگلستان است. حقوق انگلستان سرقت را تصاحب یا از آن خود کردن مال دیگری می‌داند که مفهومی گسترده‌تر از ربایش دارد و کلیه مواردی را که فردی حقوق یک مالک را برای خود فرض می‌کند و با مالی برخورد مالکانه می‌نماید در برمی‌گیرد (آقایی‌نیا و چلبی، ۱۳۸۸: ۵۳؛ میرمحمدصادقی، ۱۳۸۱: ۱۹۹)، در حالی که در حقوق ایران فقط ربودن مال غیر سرقت است. در مجموع می‌توان گفت در تصرف مال لقطه، یابنده مال را نمی‌رباید بلکه مال را برمی‌دارد. ۲. لازمه تحقق سرقت وجود عنصر معنوی بوده که همان قصد سرقت است. لیکن در شخصی که مال لقطه را می‌یابد چنین قصدی وجود ندارد. حتی ممکن است شخص از مقررات قانون مدنی در قسمت تعریف بی‌اطلاع باشد. به همین جهت، قصد مجرمانه که عنصر اساسی جرم سرقت است تحقق پیدا نمی‌کند (پورهمایون، ۱۳۱۹: ۲۴). به عنوان مثال، شخصی که انگشتری را در خیابان می‌یابد و برمی‌دارد ممکن است هیچگاه در عمرش قصد دزدی چنین انگشتری را نکرده باشد و مرتکب سرقت آن نشود. بر همین اساس، دیوان عالی کشور در حکم شماره ۴۷۶/۱۱۲۰۸ مورخ اردیبهشت ۱۳۱۷ مقرر داشته: «سرقت وقتی صادق است که ربودن مال با قصد سرقت بطور مخفیانه صورت گیرد» (بروجردی، ۱۳۸۱: ۱۴۸).

۳. عنصر ربودن ترکیبی از دو مفهوم است: یکی خارج کردن از تصرف و سلطه مالک و دوم به تصرف و سلطه سارق درآمدن. در خصوص مال لقطه عنصر اول ربودن که همان خارج کردن از تصرف و سلطه مالک است مفقود است و فقط عنصر دوم یعنی به تصرف یابنده درآمدن موجود است، لذا بحث ربودن و سرقت منتفی است. البته اینکه تصرف در مال لقطه سرقت حدی نیست امری واضح است، زیرا سرقت حدی سرقت از حرز است و مال لقطه در حرز نیست و در تصرف صاحب مال نیست (حایری، ۱۳۲۹: ۱۳).

## ۲-۱-۲. رویه قضایی

رویه قضایی نیز در فرض مورد بحث عمل ارتكابی را سرقت نمی‌داند. شعبه دوم دیوان عالی کشور در رأی شماره ۲۰۵ مورخ ۱۳۲۵/۱/۳۱ اظهار داشت: «تصرف در مال لقطه نه با قانون جزای (مرداد) ۱۳۰۲ منطبق است و نه با ماده ۲۷۷ قانون مجازات عمومی راجع به سرقت و

اساساً این عمل با هیچ یک از مواد کیفری تطبیق نمی‌کند» (متین، ۱۳۸۲: ۱۶۴). دادگاه انتظامی قضات نیز در حکم شماره ۳۰۰۳ مورخ ۱۳۱۸/۱۲/۲۶ مقرر داشته است: «شخصی که برحسب شکایت شاکی خصوصی به اتهام دزدی تحت تعقیب درآمده و اعتراف کرده که روی خاک‌های خرابه دیوار منزلی بسته یافته که سه پیراهن در آن بوده یکی را تن نموده و دوتای دیگر را فروخته و دادگاه او را از اتهام دزدی به دلیل فقد دلیل تبرئه نموده (...). تخلف نیست» (موسی شهیدی، ۱۳۸۱: ۳۲۷-۳۲۶).

در پرونده شماره ۹۴/۵۹۰۱۷۲۴ شعبه نهم دادیاری دادرسی عمومی و انقلاب کرمان، خانمی پس از صرف غذا در رستوران گوشی تلفن خود را بر روی میز نهارخوری جا می‌گذارد و پس از بازگشت به رستوران گوشی پیدا نمی‌شود. حسب محتوای فیلم دوربین مداربسته فردی جوان پس از برداشتن گوشی فوری از مکان خارج می‌شود. پس از مدتی با ردیابی گوشی، خانم به طرح شکایت علیه استفاده‌کننده اقدام می‌کند. دادیاری پس از اخذ اظهارات مال‌باخته با این استدلال که شاکی مال خود را گم کرده و تصرف در این مال نمی‌تواند سرقت باشد و وی باید به طرح دعوی حقوقی اقدام کند قرار منع تعقیب صادر می‌نماید، که مورد اعتراض شاکی واقع می‌شود. دادگاه کیفری دو کرمان نیز در مقام رسیدگی به اعتراض با استدلالی مشابه اعتراض شاکی را رد کرده و قرار مذکور را بدین شرح تأیید می‌کند: «اعتراض خانم (...). وارد نیست زیرا همانطور که دادیار محترم استدلال نموده‌اند تصاحب گوشی گمشده فاقد وصف کیفری است» (حسینی و ابراهیمی، ۱۳۹۸: ۷۷). همچنین در پرونده مشابه دیگری (شماره ۹۵/۵۷۰۰۷۱۴ شعبه هفتم دادیاری دادرسی کرمان)، احدی از ساکنان یک مجتمع آپارتمانی کیف حاوی وجه نقد و مدارک خود را داخل آسانسور جا می‌گذارد. شخصی با برداشتن کیف ضمن برداشتن وجه نقد داخل آن، با استفاده از رمز یادداشت‌شده روی کارت بانکی اقدام به برداشت وجه از حساب مال‌باخته می‌نماید. با پیگیری صاحب مال فرد شناسایی می‌شود. شعبه هفتم دادیاری صرف نظر از عناوین مجرمانه دیگر مطرح در پرونده، پیرامون اتهام سرقت با همان استدلال قبلی قرار منع تعقیب صادر می‌نماید (حسینی و ابراهیمی، ۱۳۹۸: ۷۷). هرچند به نظر نگارنده تصرف در مال لقطه سرقت نیست، بر آراء مذکور این ایراد وارد است که مفهوم لقطه را بسط داده و به

مصادیقی که مال از نظر شارع لقطه محسوب نمی‌شود تسری داده است. در پرونده‌های مذکور خصوصاً موردی که گوشی در رستوران جا مانده است، مالک مال خود را گم نکرده بلکه آن را در مکانی جا گذاشته و در واقع مال مجهول‌المالک است و احکام لقطه بر مجهول‌المالک بار نمی‌شود. لذا می‌توان گفت این اموال همچنان در حیطة مالکانه مالک قرار داشته و عملاً از سلطه وی خارج نشده‌اند (حسینی و ابراهیمی، ۱۳۹۸: ۷۸).

در پرونده دیگری که در شعبه ۱۰۳۵ دادگاه عمومی تهران مطرح گردیده شعبه مذکور طی دادنامه شماره ۱۰۰۶۸۲ مورخ ۱۳۹۱/۵/۲۵ مقرر داشته: «در خصوص اتهام آقای ع.ج. دایر بر سرقت یک دستگاه گوشی تلفن همراه موضوع شکایت خانم ر.ت. به شرح شکایت تقدیمی صرف نظر از اینکه شاکیه در محضر دادگاه صراحتاً اقرار به مفقود نمودن گوشی تلفن همراه خود نموده است، با عنایت به جمیع اوراق و محتویات پرونده (...) توجه اتهام به متهم محرز و مسلم نمی‌باشد؛ کما اینکه صرف مفقودیت فاقد وصف جزایی است. دادگاه (...) مستنداً به اصل ۳۷ قانون اساسی رأی بر برائت متهم صادر و اعلام می‌گردد این رأی حضوری محسوب و ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض و رسیدگی در محاکم تجدیدنظر استان تهران خواهد بود». شعبه ۶۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران طی دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۶۹۷۰۰۹۱۴ دادنامه تجدیدنظرخواسته را بدین شرح تأیید نموده است: «تجدیدنظرخواهی خانم ر.ت. از دادنامه شماره ۱۰۰۶۸۲ مورخ ۱۳۹۱/۵/۲۵ دادگاه عمومی جزایی شعبه ۱۰۳۵ تهران که به موجب آن آقای ع.ج. از اتهام سرقت گوشی تلفن همراه تجدیدنظرخواه تبرئه شده است وارد نیست؛ زیرا همانطور که دادگاه محترم بدوی استدلال فرموده‌اند مفقود کردن گوشی فاقد وصف کیفری است و اساساً تشکیل پرونده کیفری در این مورد صحیح نبوده است؛ لذا به استناد بند الف ماده ۲۵۷ قانون آیین دادرسی کیفری رأی بر تأیید دادنامه معترض‌عنه صادر می‌گردد. این رأی قطعی است». (برگرفته از سایت [www.j.ijri](http://www.j.ijri)).

## ۲-۲. رابطه تصرف در مال لقطه و خیانت در امانت

امانت به دو نوع است: امانت مالکانه (عقدی) و امانت قانونی (شرعی). اگر شخص مالک مالش را برای نگهداری به دیگری سپرده باشد، مثل ودیعه یا عاریه، امانت مالکانه است. اما اگر مالی با اذن قانونگذار در اختیار و تصرف شخص دیگر قرار گرفته باشد و عقدی وجود نداشته باشد، امانت قانونی است، مثل لقطه در ید یابنده یا مال غایب در ید امین (صفائی و قاسم‌زاده، ۱۳۷۸: ۵۱-۵۰). در تعریف جرم خیانت در امانت گفته‌اند: «تصاحب یا تلف یا استعمال مال یا چیزی که از طرف مالک یا متصرف قانونی آن به طور موقت به عنوان اجاره یا امانت و یا به طور کلی به موجب یک قرارداد به امین سپرده شده است» (حبیب‌زاده، ۱۳۷۴: ۱۶۳). ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ در تعریف این جرم مقرر می‌دارد: «هر گاه اموال منقول یا غیرمنقول یا نوشته‌هایی از قبیل سفته و چک و قبض و نظایر آن به عنوان اجاره یا امانت یا رهن یا برای وکالت یا هر کار با اجرت یا به اجرت به کسی داده شده و بنا بر این بوده است که اشیاء مذکور مسترد شود یا به مصرف معین برسد و شخصی که آن اشیاء نزد او بوده آنها را به ضرر مالکین یا متصرفین آنها استعمال یا تصاحب یا تلف یا مفقود نماید به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد». با توجه به تعاریف فوق برای تحقق خیانت در امانت تحقق عناصر ذیل ضرورت دارد: ۱. وجود یک قرارداد قبلی که نقض شده اعم از اجاره، امانت، ودیعه و...؛ ۲. تسلیم و سپردن مال در اثر قرارداد به شخص؛ ۳. توافق نمودن (تصریح شدن) مبنی بر اینکه مال مورد امانت مسترد شود یا به مصرف معینی برسد؛ و ۴. تلف، تصاحب، مفقود یا استعمال نمودن با سوءنیت مال امانی (گلدوزیان، ۱۳۸۰: ۳۳۳-۳۲۳). اما در خصوص اینکه تصرف و تصاحب مال لقطه توسط یابنده خیانت در امانت است یا خیر بین حقوق‌دانان اختلاف نظر است که به بیان نظرات آنها می‌پردازیم.

## ۲-۲-۱. دکترین

الف- قائلان به عدم تحقق خیانت در امانت. با توجه به متن ماده ۶۷۴ غالب حقوق‌دانان معتقدند که خیانت در امانت، خاص امانت عقدی است. لذا تصرف برخلاف قانون در مال

نظام مستقل صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی نسبت به جنایت تجاوز ارضی؛ اصغری ۵۱ |

لقطه توسط یابنده خیانت در امانت نیست (آقای نی و رستمی، ۱۳۹۷: ۲۸۶؛ میرمحمدصادقی، ۱۳۸۱: ۱۵۰؛ حبیب‌زاده، ۱۳۷۴: ۱۶۹؛ ولیدی، ۱۳۷۶: ۱۲۳؛ شامیاتی، ۱۳۷۵: ۱۱۴؛ گلدوزیان، ۱۳۸۰: ۳۲۵؛ زراعت، بی‌تا: ۳۳۱). ادله این گروه بدین شرح است: ۱. قراردادی بین صاحب مال و یابنده وجود ندارد؛ ۲. مالی به یابنده تسلیم و داده نشده و شخص یابنده خود مال را بدست آورده است. منظور از «دادن» این است که مال موضوع جرم به نحوی از انحاء توسط مالک و یا متصرف تحت تصرف مرتکب قرار داده شده باشد که مصداق بارز آن ایصال و وصول یا قبض و اقباض رو در رو میان اشخاص است (آقای نی و رستمی، ۱۳۹۷: ۲۸۴). بنابراین، تسلیم مال امری ارادی است که اثر وضعی آن قطع تصرف یکی و پیدایش تصرف برای دیگری است (منصورآبادی، ۱۳۸۰: ۲۲)؛ ۳. توافقی بین صاحب مال و یابنده مبنی بر اینکه مال مسترد شود یا به مصرف معین برسد وجود ندارد؛ ۴. قانون فقط برای اینکه حقوق مالک تضییع نشود، ید پیداکننده را ید امانی دانسته است (پورهمایون، ۱۳۱: ۶۹۶. حائری، ۱۳۲۹: ۲۸)؛ ۵. شرط خیانت در امانت تصرف یا نظارت مالک یا متصرف بر مال است و تصرف مستلزم دو شرط است: یکی «آگاهی» بر وجود مال و دیگری «تسلط» بر مال (بوشهری، ۱۳۸۷: ۲، ۰۶)؛ در مال لقطه شروط مذکور وجود ندارند.

ب- قائلان به تحقق خیانت در امانت. در مقابل برخی از نویسندگان معتقدند مصادیق مذکور در ماده ۲۴۱ سابق (۶۷۴ فعلی) تمثیلی هستند و منظور مقنن این نیست که موارد امانت را منحصر به آن چند مورد نماید. لذا ماده مذکور هر دو نوع امانت قانونی و قراردادی را دربرمی‌گیرد. بنابراین، اگر مالی در دست کسی امانت باشد، گرچه این امانت ناشی از عقد و قرارداد نباشد و صاحب مال آن را به دارنده نسپرد، مانند مال لقطه، اگر یابنده نسبت به آن خیانت نماید مرتکب جرم خیانت در امانت شده است (مهاجر، ۱۳۴۵: ۳۵ و ۴۰).

تحلیل: به نظر می‌رسد که عقیده گروهی که معتقدند تصرف برخلاف قانون در مال لقطه خیانت در امانت نیست صحیح است. همچنین، باید اذعان داشت که اولاً الفاظ بکاررفته در ماده ۶۷۴ یعنی «داده شده» و «بنا بر این بوده»، دلالت بر وجود یک توافق بین صاحب مال و گیرنده مال دارد، یعنی ظهور در امانت عقدی دارد. بر همین اساس ماده چندین عقد را به

عنوان مثال ذکر می‌کند. این در حالی است که در تصرف در مال لقطه نه مالی به کسی داده شده و نه بنا بر چیزی بوده است. ثانیاً به دلیل آنکه شمول جرم خیانت در امانت نسبت به روابط امانی قانونی مورد شک است، لذا ناچاریم به اصل رجوع کنیم که در این مورد همان اصل تفسیر مضیق و تفسیر به نفع متهم است که ایجاب می‌کند جرم خیانت در امانت را شامل روابط امانی قانونی ندانیم (جندقی، ۱۳۸۲: ۱۰۶).

## ۲-۲-۲. رویه قضایی

رویه قضایی نیز تصرف در مال لقطه را خیانت در امانت نمی‌داند. شعبه پنجم دیوان عالی کشور در رأی شماره ۱۴۵۱ مورخ ۱۳۱۷/۶/۲۲ اعلام داشته است: «تصرف در مال گمشده خیانت در امانت محسوب نمی‌شود» (بروجردی عبده، ۱۳۸۱: ۱۷۷۹). دادگاه انتظامی قضات در آراء شماره ۴۰۴۹ و ۴۰۵۰ مورخ ۱۳۲۶/۳/۱۸ اظهار داشته است: «عنوان امانتی که خیانت در آن موضوع جرم شناخته شده آیا اختصاص به موردی دارد که مالی از طرف شخص ولو شخص حقوقی به او سپرده شده باشد و گیرنده مال سپرده شده آن مال شخص را تصاحب و یا به ضرر صاحبش به مصرف رسانیده باشد و یا شامل این قبیل امانات قانونی که قهراً بر اثر قراردادهای خصوصی حاصل می‌شود نیز خواهد بود. چون در صدر ماده ۲۴۱ قانون مجازات عمومی راجع به تعیین مجازات خیانت در امانت این جمله مذکور است: «هرگاه اموال و اسباب یا نقود (...) به کسی داده شده» و این جمله قطع نظر از جهات و قرائن دیگر ظاهر در شق اول است یعنی شامل هر نوع امانتی نمی‌شود و مخصوص به امانتی که مسبوق به تسلیم مال شخص خارجی بوده می‌باشد و به این تفسیر و تقریب وقتی که امانت بودن مالی سوای تحویل گرفتن مال از صاحب آن تحقق یابد خارج از عنوان موضوع جرم خواهد بود» (شهیدی، ۱۳۸۱: ۳۶۰-۳۵۹).

رأی شماره ۳۸۴- مورخ ۱۳۱۶/۳/۲۶ شعبه دوم دیوان عالی کشور نیز مقرر داشته: «مطابق ماده ۲۴۱ قانون کیفر عمومی [راجع به خیانت در امانت] به نحو کلی هر وقت به کسی مالی سپرده شود و بنا باشد که به صاحبش مسترد گردد و شخصی که مال به او سپرده شده بدون اجازه صاحب مال تصرفی به ضرر مالک در آن بنماید مجرم محسوب و قابل تعقیب خواهد



بود. شعبه یازده دادگاه تجدیدنظر تهران نیز در دادنامه شماره ۱۷۶۴ مورخ ۱۳۷۵/۱۱/۱۷ مقرر داشته است: چون برای تحقق خیانت در امانت سپردن و تحویل دادن مال ضروری است و در ما نحن فیه متهم چک را پیدا کرده است و چک‌ها به وی سپرده نشده‌اند تا استفاده از آن به ضرر صاحبش جرم خیانت در امانت تلقی گردد، دادگاه با لحاظ جرم نبودن عمل متهم و حقوقی بودن موضوع حکم برائت از بزه منتسبه را صادر و اعلام می‌نماید (بازگیر، ۱۳۷۹: ۲۲۲). همچنین، در دادنامه شماره ۱۳۷۵/۱/۲۶/۱۰۸ صادره از شعبه ۱۷۹ دادگاه عمومی تهران تأیید شده در شعبه پنجم دادگاه تجدیدنظر آمده است: در پرونده موصوف اتومبیل به متهم تحویل نگردیده که عدم استرداد آن خیانت در امانت باشد، لذا به لحاظ عدم تحقق عنصر مادی جرم، بزه خیانت در امانت به وقوع نپیوسته است (بازگیر، ۱۳۷۹: ۲۲۵). هر چند دادنامه اخیر راجع به تصرف در مال لقطه نیست، با توجه به استدلال مذکور در دادنامه که شرط تحقق خیانت در امانت را تحویل دادن مال (سپردن) دانسته است، می‌توان نتیجه گرفت که چون در تصرف در مال لقطه کسی مال را به یابنده تحویل نداده است، لذا بزه خیانت در امانت منتفی است.

### ۲-۳. تصرف در مال لقطه و جرم انتقال مال غیر

یکی دیگر از جرایم علیه اموال و مالکیت، جرم انتقال مال غیر است. این جرم ابتدا در قانون جزا (مرداد) ۱۳۰۲ با عنوان «قانون موقت راجع به اشخاصی که مال غیر را انتقال می‌دهند و یا تملک می‌کنند و مجازات آنها» پیش‌بینی شده بود. متعاقباً قانون مذکور به موجب قانون راجع به انتقال مال غیر مصوب فروردین ۱۳۰۸ نسخ ضمنی گردید. ماده یک قانون اخیر که هنوز معتبر است مقرر داشته: «کسی که مال غیر را با علم به اینکه مال غیر است، به نحوی از انحاء عینا یا منفعتا بدون مجوز قانونی به دیگری منتقل کند کلاهبردار محسوب و مطابق ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی محکوم می‌شود و همچنین است انتقال گیرنده که در حین معامله عالم به عدم مالکیت انتقال‌دهنده باشد». با توجه به حکم این ماده سؤال این است که چنانچه شخصی که مالی را می‌یابد آن را به دیگری انتقال دهد، مثلاً آن را بفروشد، عملش جرم و

مصدق ماده قانونی مذکور است؟ در پاسخ به این سؤال نظرات مختلفی وجود دارند که به ذکر آنها می‌پردازیم.

## ۲-۳-۱. دکترین

الف- قائلان به تحقق جرم انتقال مال غیر. برخی از نویسندگان معتقدند که در جرم انتقال مال غیر همین که مال متعلق به غیر باشد برای تحقق جرم کافی است. چون اشیای گمشده از ملک صاحب آن خارج نمی‌شوند و اگر یافت شوند برای صاحب آن حق استرداد وجود دارد، لذا در خصوص اموالی که ارزش آنها یک درهم و بیشتر است یابنده باید تا یکسال آن را تعریف کند و اگر به تکلیف خود عمل ننمود و بدون تعریف مال را بفروشد، مشمول جرم فروش مال غیر است (کریمی، ۱۳۹۱: ۱۳).

ب- قائلان به عدم تحقق جرم انتقال مال غیر. نگارنده به دلایل ذیل معتقد است که انتقال مال لقطه توسط یابنده جرم انتقال مال غیر نیست: ۱. آنچه از ظاهر ماده ۱ قانون راجع به انتقال مال غیر پیداست این است که ماده مزبور فرضی را در نظر گرفته که شخصی با سوءنیت یعنی با قصد اضرار به غیر، مال دیگری را به ثالث انتقال می‌دهد و به همین جهت است که قانونگذار مرتکب را کلاهبردار محسوب نموده است. اما در فرضی که شخص یابنده مالی را پیدا می‌کند، چون غالباً مالک را نمی‌شناسد و برای او معلوم و معین نیست، وجود چنین سوءنیتی در وی محقق نیست؛ ۲. قانونگذار جرم انتقال مال غیر را در حکم کلاهبرداری دانسته و مجازات سنگین کلاهبرداری را (۱ تا ۷ سال حبس در کلاهبرداری ساده و جزای نقدی معادل مال مأخوذ و در کلاهبرداری مشدد ۲ تا ۱۰ سال حبس و جزای نقدی معادل مال مأخوذ) برای مرتکب در نظر گرفته است. این امر به آن دلیل است که گاه انتقال مال غیر با فریب دادن قربانی و توسل به وسایل متقلبانه شکل می‌گیرد که در این موارد با کلاهبرداری تشکیل تعدد معنوی می‌دهد (وروایی، ۱۳۸۳: ۳۱۶). حال با چنین پیش‌فرضی تسری مجازات سنگین کلاهبرداری به جهت انتقال مال غیر به فردی که مال لقطه را به دیگری انتقال می‌دهد امری است که با منطق حقوقی سازگار نبوده و همچنین تناسبی بین رفتار ارتكابی و مجازات آن (در فرضی که قائل به جرم بودن باشیم) وجود ندارد.

## ۲-۳-۲. رویه قضایی

رویه قضایی در آراء متعدد فروش و انتقال مال لقطه را جرم انتقال مال غیر ندانسته است. به عنوان نمونه، به برخی از آراء در این خصوص اشاره می‌شود: رأی شماره ۲۰۵ مورخ ۳۱/۱/۱۳۲۱ شعبه پنجم دیوان عالی کشور مقرر داشته: «تصرف در مال لقطه نه با قانون جزای ۱۳۰۲ منطبق است و نه با ماده ۲۷۷ قانون مجازات عمومی و اساساً این عمل با هیچ یک از مواد کیفری تطبیق نمی‌کند» (متن، ۱۳۸۱: ۱۶۴). رأی شماره ۹۲ مورخ ۱۹/۱۲/۱۳۲۰ شعبه ششم دیوان عالی کشور مقرر داشته: «شرط تحقق بزه موضوع ماده ۲ قانون جزای ۱۳۰۲ علم متهم به مالکیت شخص معین و معلومی است نه علم اجمالی او و قانون مزبور شامل تصرف در لقطه و ضاله نیست» (متن، ۱۳۸۱: ۳۳). رأی شماره ۱۴۵۱ مورخ ۳۰/۶/۱۳۱۷ شعبه پنجم دیوان عالی کشور مقرر داشته: «تصرف در مال گمشده خیانت در امانت نیست زیرا مال به متهم سپرده نشده است. همچنین عمل مشمول قانون انتقال مال غیر نیز نخواهد بود. زیرا قانون اخیر هم ناظر به مواردی است که صاحب حقیقی مال منتقل شده نزد انتقال‌دهنده معلوم باشد و شامل اشیاء گمشده یا حیوانات ضاله و امثال آنها نیست» (متن، ۱۳۸۱: ۱۳۷). رأی شماره ۱۰۳۸۰/۲۱۱ مورخ ۳/۲/۱۳۱۷ دیوان عالی کشور مقرر داشته: «فروش مال غیر وقتی بزه محسوب می‌شود که فروشنده صاحب مال را شخصاً می‌شناسد. بنابراین، اگر مال دزدی به دست کسی افتد و با علم به مسروقه بودن آن بدون اینکه صاحب مال را بشناسد آن را به فروش برساند، این عمل بزه محسوب نمی‌شود، زیرا کلمه غیر مذکور در ماده ۱ (قانون راجع به انتقال مال غیر) ظهور در شخص معینی دارد» (عبده، ۱۳۸۱: ۵۵).

## ۲-۴. رابطه تصرف در مال لقطه و جرم تحصیل مال از طریق نامشروع

یکی دیگر از جرایم علیه اموال جرم تحصیل مال از طریق نامشروع است. عنصر قانونی این جرم ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام است. ماده مذکور مقرر داشته: «هر کس به نحوی از انحاء امتیازاتی را که به اشخاص خاص به جهت داشتن شرایط مخصوص تفویض می‌گردد نظیر جواز صادرات و واردات و آنچه عرفاً موافقت اصولی گفته می‌شود در معرض خرید و

فروش قرار دهد و یا از آن سوءاستفاده نماید و یا در توزیع کالاهایی که مقرر بوده طبق ضوابطی توزیع نماید مرتکب تقلب شود و یا به طور کلی مالی یا وجهی تحصیل کند که طریق تحصیل آن فاقد مشروعیت قانونی بوده است مجرم محسوب و علاوه به رد اصل مال به مجازات سه ماه تا دو سال حبس و یا جریمه نقدی معادل دو برابر مال به دست آمده محکوم خواهد شد».

دو تفسیر از ماده مذکور وجود دارد. گروهی از حقوقدانان معتقدند این ماده فقط ناظر به اشخاص خاصی است که یکسری اموال خاص را برخلاف قانون به دست می آورند و قانون عمل آنها را جرم دانسته است. گروهی دیگر تفسیری موسع داشته و معتقدند ماده مذکور صرفاً اختصاص به افراد خاص و اعمال خاص ندارد، بلکه هر شخصی به طور کلی مالی به دست آورد که تحصیل آن فاقد مشروعیت قانونی است، از جمله مال لقطه، مجرم محسوب شده و مشمول ماده مذکور می گردد. در اینجا به بیان ادله هر دو گروه می پردازیم.

#### ۲-۴-۱. دکترین

الف- قائلان به تفسیر موسع. عده‌ای از حقوقدانان معتقدند که ماده قانونی مذکور علاوه بر آنکه یکسری اعمال خاصی را جرم انگاری نموده مطابق شق دوم مقرر داشته است: «و یا به طور کلی مالی یا وجهی تحصیل کند که طریق تحصیل آن فاقد مشروعیت قانونی بوده است» و هر نوع به دست آوردن و تصرف خلاف قانون در اموال دیگران را که مصداق جرایم خاص سرقت، کلاهبرداری، خیانت در امانت و ... نباشد جرم دانسته است (منصورآبادی، ۱۳۸۲: ۱۲۶). در واقع، به عقیده این گروه در نظام حقوقی ایران جرایم علیه اموال و مالکیت مانند عقود دو دسته هستند. همچنان که عقود به معین و غیرمعین تقسیم می شوند، جرایم علیه اموال نیز به دو دسته جرایم معین چون سرقت، کلاهبرداری و ... و جرایم غیرمعین که عنصر قانونی آن ماده مورد بحث است تقسیم می گردند. لذا هرگاه رفتاری منجر به تحصیل مال دیگران برخلاف قانون شود و مصداق جرایم مالی معین نباشد جرم محسوب شده و مشمول ماده ۲ قانون تشدید است (زراعت، ۱۳۹۲: ۱۰۰). بنابراین، ماده مذکور هرگونه تحصیل مال از طریق نامشروع را جرم انگاری کرده تا خلاء قوانین ایران را

که باعث می‌شود برخی اعمال نادرست تحت هیچ یک از عناوین خاص مجرمانه مثل کلاهبرداری، سرقت و ... قرار نگیرند مرتفع نماید و در نتیجه راهی برای تنبیه این گونه مجرمان اقتصادی باشد (صادقی، ۱۳۹۲: ۱۴۹). در نتیجه عمل یابنده مال لقطه در صورتی که در حدود مقررات قانونی نباشد مطلقاً مشمول عنوان تحصیل مال از طریق نامشروع می‌شود (منصورآبادی، ۱۳۸۲: ۱۲۶).

ب- قائلان به تفسیر مضیق. گروهی دیگر از حقوق‌دانان با تفسیر موسع این ماده مخالف بوده و معتقدند که این ماده ناظر به اشخاصی خاص و رفتارهای مجرمانه خاص است و هرگونه تصرف خلاف قانون در اموال دیگران را دربر نمی‌گیرد. این گونه تصرفات در صورتی که عنوان مجرمانه خاص نداشته باشد صرفاً موجب ضمان حقوقی و مسئولیت مدنی خواهد بود (آقاسالار و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۰-۹؛ گلدوزیان، ۱۳۹۴؛ ۳۱۲؛ آقای نی، ۱۳۹۰: ۴۹-۴۸؛ شامبیاتی، ۱۳۹۳: ۱۹۸). ادله این گروه عبارتند از: ۱. این ماده در زمان جنگ و مشکلات اقتصادی کشور وضع شده و آنچه مورد توجه مقنن بوده است این بوده که اشخاصی که در زمان جنگ به موجب یک موقعیت، امتیاز خاصی را به دست می‌آورند، نظیر موافقت اصولی، از آن سوءاستفاده ننمایند. لذا عبارت «به طور کلی مالی یا وجهی تحصیل کند» را باید به این صورت تفسیر کرد که منظور آن اشاره به اشخاص مذکور در صدر ماده و تحصیل وجه یا مالی از سوی همان اشخاص خاص برخوردار از امتیاز به روشی غیر از روش‌های مندرج در صدر ماده است (شاکری و البوعلی، ۱۳۹۶: ۱۰۵؛ آقای نی، ۱۳۹۰: ۴۹-۶۸)؛ ۲. عبارت «تحصیل» در ماده دلالت بر فعل مثبت دارد و مراد از آن به دست آوردن و کسب کردن مال است (آقای نی، ۱۳۹۰: ۴۹-۶۸). به عبارت دیگر، منظور خارج کردن اموال مالباخته از تصرف وی و سپس به تصرف درآوردن توسط مرتکب است. یعنی باید رابطه سببیت بین عمل مرتکب برای خارج کردن مال از تصرف مالباخته وجود داشته باشد. بنابراین، اگر مرتکب برای خارج کردن مال از تصرف مالباخته اقدامی انجام ندهد و مال برای مثال در اثر سهل‌انگاری مالباخته از تصرف وی خارج شود و سپس مرتکب آن مال را تصاحب کند از شمول ماده خارج است (آقافارثالث و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۰-۹؛ گلدوزیان،

۱۳۹۴: ۳۱۲؛ ۳. تفسیر موسع از ماده نه تنها با متن ماده همخوانی ندارد، با اصل قانونی بودن جرم و مجازات در تعارض است (آقایی‌نیا، ۱۳۹۰: ۴۸)؛ ۴. قانونگذار در صدر ماده شرایط تحقق جرم را به نحو دقیق برشمرده و همچنین به اشخاص خاصی که ویژگی‌های خاص دارند اشاره نموده است. لذا منطق حقوقی حکم می‌کند که این شرایط را از لوازم قطعی اعمال ماده تلقی کنیم و به این نکته پافشاریم که عبارت «و به طور کلی مال یا وجهی تحصیل کند» هرگز نمی‌تواند شرایط مذکور در صدر ماده را که با دقت تنظیم گردیده در عموم و کلیت ظاهر خود مستحیل کند (آقایی‌نیا، ۱۳۹۰: ۴۸).

**تحلیل:** به نظر می‌رسد عقیده گروه دوم از قوت بیشتری برخوردار است. مضاف بر ادله مذکور توسط این گروه دلایلی دیگری که می‌توان در تأیید نظر آنان ذکر کرد بدین شرح هستند: ۱. عنوان قانونی که این ماده در آن ذکر شده «قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری» است. عبارت تشدید دلالت به آن دارد که در سابق جرمی بوده لیکن قانونگذار در وضعیت فعلی (زمان جنگ) مجازات سابق را برای تنبیه مرتکبین کافی ندانسته و حالا تصمیم به تشدید مجازات گرفته است. لذا تشدید مجازات یابنده مال لقطه فاقد توجیه است، زیرا این عمل سابقاً جرم نبوده که بخواهد تشدید شود؛ ۲. اشخاصی که در قانون مذکور نام برده شده‌اند کسانی هستند که قابلیت ارتکاب جرایمی چون اختلاس و ارتشاء را دارند، یعنی کارمند دولت بودن. لذا با توجه به صدر خود ماده نیز باید این ماده را همچون سایر مواد قانون مذکور ناظر بر کارمندان دولت و اشخاص خاص بدانیم؛ ۳. قانونگذار در تبصره ماده محدودیت‌هایی چون منع تعلیق و تخفیف را که برای مرتکبین کلاهبرداری در نظر گرفته به مرتکبین جرم مذکور در آن ماده تسری داده است. بنابراین، غیرمنطقی و ناعادلانه است که بخواهیم چنین سختگیری و شدت مجازاتی را به متصرفان در مال لقطه تسری دهیم. در مجموع به نظر نگارنده، عمل یابنده مال لقطه مشمول و مصداق آن ماده نیست.

## ۲-۴-۲. رویه قضایی

اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه‌های مشورتی شماره ۷/۱۷۷۵ مورخ ۱۳۸۹/۳/۲۵، ۷/۵۹۹۴ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۱۴، ۴۵۸۵ مورخ ۱۳۹۰/۱۱/۵، ۶۷/۱۱۴۰ مورخ ۱۳۹۰/۲/۲۴ استفاده از برخی اشیاء گمشده مانند چک یا کارت‌های اعتباری و موبایل را که هویت صاحبان آن قابل تشخیص است مشمول ماده مورد بحث دانسته است (آقالارثالث و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۴). در مقابل، برخی از آراء تصرف در مال لقطه را جرم تحصیل مال از طریق نامشروع ندانسته‌اند. به عنوان نمونه، در دادنامه شماره ۹۲۰۱۲۲ مورخ ۹۲/۲/۸ صادره از شعبه ۱۰۷۲ دادگاه عمومی جزایی تهران آمده است: «در خصوص اتهام آقای م.ک. فرزند ع. دایر بر تحصیل مال از طریق نامشروع، (...) توجهها به نحوه شکایت شاکی (...) و دفاعیات متهم و با عنایت به اینکه شاکیه به شرح اظهارات منعکس در صورت جلسه تحقیق، صراحتاً به مفقود شدن گوشی تلفن همراه خود اظهار مطلب نموده است، لذا بنا به مراتب و عنایت به اینکه، صرف نظر از آنکه تحصیل مال مفقود شده شاکی توسط متهم با عنصر مادی بزه مذکور منطبق نیست، تحصیل مال توسط متهم ناشی از فعل مجرمانه نبوده و به عبارتی مال مفقود شده را تحصیل نموده است که این حد از اقدام مثبت وقوع بزه نیست. لذا به لحاظ عدم احراز وقوع بزه مذکور و مستنداً به بند الف ماده ۱۷۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، حکم بر براءة مشارالیه صادر و اعلام می‌گردد». از دادنامه فوق تجدیدنظرخواهی به عمل آمده و شعبه ۲۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران به موجب دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۲۲۰۱۲۳۵ مورخ ۱۳۹۲/۹/۵ دادنامه مذکور را تأیید نموده است (برگرفته از سایت [www.j.ijri](http://www.j.ijri)).

## نتیجه

در باب تصرف و تصاحب مال لقطه زمانی که برخلاف ضوابط و شرایط مقرر در قانون مدنی باشد بین حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد. برخی عمل ارتكابی را جرم دانسته لیکن در نوع جرم ارتكابی اختلاف نظر دارند. برخی به سرقت معتقدند و برخی به خیانت در امانت. گروهی قائل به تحصیل مال از طریق نامشروع هستند و برخی نیز قائل به انتقال مال غیر. در

مقابل، گروهی دیگر از حقوقدانان معتقدند تصرف برخلاف مقررات قانون مدنی در مال لقطه با هیچ یک از مواد قوانین کیفری تطبیق نمی‌کند و رفتار ارتكابی یابنده فاقد وصف کیفری است. نگارنده با نظر گروه اخیر موافق است و معتقد است که تصرف غیرقانونی در مال لقطه هر چند با سوءنیت جرم نیست. سرقت نیست، زیرا یابنده ربایشی انجام نداده است. خیانت در امانت نیست، زیرا مال از طرف مالک به یابنده سپرده نشده است. تحصیل مال از طریق نامشروع نیست، زیرا جرم مذکور به اشخاص خاصی که اعمال مقرر در ماده ۲ قانون تشدید را انجام می‌دهند اختصاص دارد. نهایت آنکه انتقال مال غیر نیست، زیرا مالک مال نزد یابنده مشخص و معین نیست تا وی مال لقطه را با قصد اضرار به وی منتقل نموده باشد. با این حال، پیشنهاد می‌گردد جهت جلوگیری از صدور آراء متهاافت و حفظ حقوق اشخاص، مقنن با وضع ماده صریحی موضع خود را در این خصوص مشخص سازد.





## ORCID

Masoud Basami  <http://orcid.org/0000-0003-2465-3332>

## منابع

### الف. فارسی

- آقالارثالث، سامان؛ حبیب‌زاده، محمدجعفر؛ فرجیها، محمد و صابر، محمود. (۱۳۹۵). «گفتمان سیاست جنایی قانونگذار و رویه قضایی در مقابل جرم تحصیل مال از طریق نامشروع، با رویکرد و تطبیقی به گفتمان سیاست جنایی سازمان ملل متحد در ماده ۲۰ کنوانسیون مبارز با فساد»، *مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، دوره ۲۰، شماره ۲.
- آقای‌نیا، حسین؛ چلبی، آزاده. (۱۳۸۸). «جایگاه سرقت در حوزه مفهومی مالکیت: بررسی تطبیقی مفهوم سرقت در چهار نظام حقوقی ایران، آمریکا، انگلستان، کانادا»، *مجله مطالعات حقوق خصوصی (فصلنامه حقوق)*، سال نهم، شماره ۲.
- آقای‌نیا، حسین؛ رستمی، هادی. (۱۳۹۷). *جرایم علیه اموال و مالکیت*، چاپ دوم، انتشارات میزان.
- آقای‌نیا، حسین. (۱۳۹۰). «با تفسیر رایج از ماده ۲ کجا می‌رویم»، *قسمت دوم، ماهنامه قضاوت*، شماره ۷۲.
- آقای‌نیا، حسین. (۱۳۹۰). «با تفسیر رایج از ماده ۲ کجا می‌رویم»، *قسمت اول، ماهنامه قضاوت*، شماره ۷۱.
- اسکافی، ابن محمد بن احمد. (۱۴۱۶). *مجموعه فتاوی این جنید*، چاپ اول، انتشارات اسلامی. اصفهانی، محمد بن باقر. (مجلسی دوم). (۱۴۱۲). *بیست و پنج رساله فارسی*، مصحح مهدی رجائی، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- اصفهانی، محمد تقی. (مجلسی اول). (۱۴۱۴). *لوامع صاحبقرانی*، جلد هفتم، چاپ دوم، مؤسسه اسماعیلیان.
- امامی، سید حسن. (۱۳۵۱). *حقوق مدنی*، جلد اول، چاپ نوزدهم، انتشارات اسلامی.
- بابویه، محمد بن علی. (شیخ صدوق). (۱۴۰۹). *من لا یحضره الفقیه*، جلد سوم، ترجمه علی‌اکبر غفاری و محمد جواد غفاری و صدر بلاغی، چاپ سوم، انتشارات صدوق.

بازگیر، یداله. (۱۳۷۹). منتخب آراء قطعیت یافته دادگاه‌ها در امور جزایی، جلد اول، چاپ اول، دانش‌نگار.

بروجردی، عبده. (۱۳۸۱). اصول قضایی دیوان عالی کشور، قسمت جزایی، چاپ اول، انتشارات رهام.

بوشهری، جعفر. (۱۳۸۷). حقوق جزا، اصول و مسائل، چاپ دوم، شرکت سهامی انتشار.

پورهمایون، علی اصغر. (۱۳۱۹). «ارکان سرقت»، مجموعه حقوقی، شماره ۲۴.

جعفر لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۷۸). ترمینولوژی حقوق، چاپ دوم، انتشارات گنج دانش.

جندقی، بهروز. (۱۳۸۲). «خیانت در امانت و تحلیل رابطه امانی این جرم از دیدگاه حقوق

جزا»، مجله معرفت، شماره ۶۷.

حائری، کاظم. (۱۳۸۷). «لقطه و مجهول المالک»، قسمت اول، مجله فقه اهل بیت، شماره

۵۶.

حایری، علی. (۱۳۲۹). «راجع به سرقت»، کانون وکلا، دوره اول، شماره ۱۹ و ۱۸.

حبیب‌زاده، محمدجعفر. (۱۳۷۴). حقوق جزای اختصاصی جرایم علیه اموال، چاپ دوم،

انتشارات سمت.

حبیب‌زاده، محمدجعفر. (۱۳۸۱). «سرقت مال مشاع»، مجله نامه مفید، شماره ۲۹.

حر عاملی. (۱۴۰۹). وسایل الشیعه، جلد هفدهم، چاپ اول، مؤسسه آل‌البیت (ع).

حسینی، سیدمحمد؛ ابراهیمی، احسان. (۱۳۹۸). «سیاست جنایی قضایی در خصوص مال

مسروق»، مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۴۹، شماره ۱.

دلیر، حمید. (بی‌تا). «نگرش علمی و کاربردی به جرم سرقت»، نشریه پیام آموزش، شماره

۲۰، ۲۱ و ۲۲.

رزی، محسن؛ بنی‌نیا، خالد. (۱۳۹۲). «بررسی قاعده من حاز ملکا در فقه و حقوق موضوعه

ایران»، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، سال نهم، شماره ۳۱.

رضوانی، نعمت. (۱۳۸۶). «بحثی پیرامون ماده ۶۶۵ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده»،

کانون وکلا، شماره ۱۹۸.

نظام مستقل صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی نسبت به جنایت تجاوز ارضی؛ اصغری ۶۳ |

زراعت، عباس. (۱۳۹۲). شرح مختصر قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)، چاپ اول، انتشارات ققنوس.

زراعت، عباس. (بی تا). شرح قانون مجازات اسلامی، بخش تعزیرات، جلد دوم، چاپ دوم، انتشارات فیض.

سالاری، مهدی. (۱۳۸۹). سرقت تعزیری و رایانه‌ای، چاپ اول، انتشارات میزان. سایت: (www.j.ijri).

شاکری، ابوالحسین و البوعلی، امیر. (۱۳۹۶). «تحلیلی نوین از جرم تحصیل مال نامشروع در حقوق ایران»، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، سال سیزدهم، شماره ۴۷. شامبیاتی، هوشنگ. (۱۳۷۵). جرایم علیه اموال و مالکیت، جلد دوم، چاپ اول، انتشارات ویستار.

شهیدی، موسی. (۱۳۸۱)، مجموعه رویه قضایی، قسمت کیفری، چاپ اول، انتشارات رهام. صفائی، حسین؛ قاسم‌زاده، مرتضی. (۱۳۷۸). حقوق مدنی اشخاص و محجورین، چاپ چهارم، انتشارات سمت.

عاملی، بهاء‌الدین. (۱۴۲۹). جامع عباسی و تکمیل آن، چاپ اول، دفتر انتشارات اسلامی. علامه حلی. (۱۳۹۰). تبصره المتعلمین، شرح و ترجمه از ابوالحسن شعرانی، چاپ هفتم، انتشارات اسلامی.

عوده، عبدالقادر. (۱۳۹۰). بررسی تطبیقی حقوق جزای اسلامی و قوانین عرفی، جلد چهارم، جرایم علیه آسایش عمومی، ترجمه حسن فرودی‌نیا، چاپ اول، انتشارات یادآوران.

کاتوزیان، ناصر. (۱۳۴۲). «طرح مقدماتی حقوق مدنی»، مجله کانون وکلا، شماره ۸۷. کریمی، علی. (۱۳۹۱). «بررسی ارکان سه گانه جرم انتقال مال غیر و تمیز آن از مصادیق مشابه»، مجله سند، سال هشتم، شماره ۷۳.

گلدوزیان، ایرج. (۱۳۸۰). حقوق جزای اختصاصی، چاپ هشتم، انتشارات دانشگاه تهران. گلدوزیان، ایرج. (۱۳۹۴). محشای قانون مجازات اسلامی، انتشارات مجد.

متین، احمد. (۱۳۸۱). مجموعه رویه قضایی، قسمت کیفری، چاپ اول، انتشارات رهام. محقق حلی. (۱۴۰۸). شرایع الاسلام، جلد اول، چاپ دوم، انتشارات مؤسسه اسماعیلیان.

- معین، محمد. (۱۳۷۶). فرهنگ فارسی، جلد دوم، چاپ یازدهم، انتشارات امیرکبیر.
- منصورآبادی، عباس. (۱۳۸۰). «بررسی تطبیقی خیانت در امانت و اختلاس»، مجله علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه شیراز، شماره ۳۳.
- منصورآبادی، عباس. (۱۳۸۲). «موضوع جرم در باب جرایم علیه اموال»، مجله اندیشه‌های حقوق، سال اول، شماره ۴.
- مویدی، عیسی. (۱۳۲۰). «غصب مال غیر با کدام یک از مواد کیفری تطبیق می‌نماید»، مجموعه حقوقی، شماره ۲۳۳.
- مهاجر، علی اشرف. (۱۳۴۵). «خیانت در امانت»، حقوق امروز، شماره ۱۸.
- میرمحمدصادقی، حسین. (۱۳۸۱). جرایم علیه اموال و مالکیت، چاپ نهم، انتشارات میزان.
- وروایی، اکبر. (۱۳۸۳). «جرم انتقال مال غیر»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۶۶.
- ولیدی، محمدصالح. (۱۳۷۶). حقوق جزای اختصاصی، جلد اول، جرایم علیه اموال و مالکیت، چاپ پنجم، انتشارات امیرکبیر.